



فیلم جدیدتان «بندر بند» حال و هوای خاصی دارد و موضوع ملتهب و نو. به نظر می‌رسد این حرف که گفتید را عملی کردید و پای فیلم خودتان ایستادید.

ببینید من هم گزینده‌ها و پیشنهادها مالی و سوسه‌کننده‌ای دارم به من هم از پلتفرم‌ها پیشنهادها خیلی خوبی داده می‌شود اما نپذیرفتم چون من خودساخته‌ام و نمی‌توانم به یکباره بروم تمام حرف‌هایم را زیر پا بگذارم و وابسته یک جریان دیگر مالی بشوم. من قصه خودم را دارم، تیم خودم را دارم، فضای ذهنی خودم را دارم و تعلقاتم را با تعلقات مبهم پیوند نمی‌زنم. اگر من می‌توانستم با همین جریان لوباجت در آن فضا کار کنم می‌کنم اگر نه ترجیح می‌دهم با همین سختی فیلم‌های کوچک خودم را بسازم و اکران کنم. این جریان سازی برای سینمای سالم باید اتفاق بیفتد نمی‌توانیم فقط حرفش را بزنیم و به محض اینکه کسی چکی با عدد بالا روی میز ما گذاشت بگوییم بسم الله و برویم. من حتی برای افتتاحیه فیلمم هم نخواستم بریز و بیاش‌های مردم را داشته باشم و ترجیح دادم به جای ستاره‌ها اندیشمندان را دعوت کنم. ببینید مادر کشورمان در نقطه حساسی هستیم که دیگر فقط باید عمل کنیم و از تنوری و حرف بگذریم. در همه شئون نیاز به آگاهی و بعد عمل داریم. وقتی مشخص شود آقای ایکس پول فیلم و سرپايش را از کجا آورده دیگر هر کسی به او اعتماد نمی‌کند و مردم هم نشان دادند که پای این جور آثار نمی‌ایستند. این آگاهی یک عمل را ایجاد می‌کند و آن هم مهجور شدن جریان سرمایه‌داری و پول‌های نامعلوم است. چه اتفاقی مبارک‌تر از این؟! عمل یعنی رجعت از بیگ پروداکشن به سمت لوباجت یا حداقل بودجه‌های مشخص و روشن و به اندازه. جهان هم به همین سمت پیش می‌رود و چرا که نه؟ به هر حال یار و یاور مادر اکران این فیلم که باهمان جریان سازی سینمای سالم است، مردم خواهند بود و ما از آنها کمک می‌گیریم و امیدوارم که مردم هم به ما پاسخ بدهند چرا که یاور ما خود مردم هستند و به این جریان سازی کمک کنند.

هم‌اندیشی کنیم و راه چاره برای این پیدا کنیم که سینما را به جریان مبتدل تبدیل نکنیم و سطح سلیقه تماشاگر را پایین نیاوریم. ما قانون نمی‌توانیم تصویب کنیم مافقط می‌توانیم راه حل ارائه بدهیم و اندازه قدرتی که داریم باید بدانیم که ورودهای عجیب و غریب پول خیانت به سینما، هنر، اندیشه و تفکر است و کسانی که دارند این کارها را می‌کنند آگاه باشند که دارند خیانت می‌کنند. ببینید وقتی این ورود بی‌مقدار و بی‌حساب پول اتفاق می‌افتد و ستاره را به قیمت‌های هنگفت وارد یک پروژه می‌کنند از انسانی وابسته می‌سازد و هنرمند وابسته دیگر نمی‌تواند هویت فردی داشته باشد. هر جا پول و دستمزد خوب باشد می‌رود لباس خیلی خوب ببرد می‌پوشد و جلوی دوربین‌های عکاسی می‌ایستد اما سر بزنگاه و در یک اتحاد صنفی نمی‌تواند حاضر باشد چون خیلی قبل‌تر خود را وابسته همان افراد کرده است. این افراد شاید حساب بانکی‌شان پر شود ولی دارند خیانت می‌کنند و امیدوارم مردم آن قدر آگاه شوند که سینمای سالم را از سینمای غیر سالم تمیز بدهند.

ایا بهتر نیست که بین چرخه صنفی و سینما داران یک تعامل بهتر به وجود بیاید تا فیلم‌ها ناعادلانه گزینش نشوند؟

به هر حال عرضه و تقاضا است و نمی‌تواند، فقط همین که باندبازی نشود؛ اگر نه عرضه و تقاضا است و گروه‌هایی که فیلم‌هایشان می‌آید باید حتما برای تبلیغات اتاق فکر داشته باشند و باید جریان سازی کنند. به خصوص فیلم‌هایی که از سینمای مستقل است باید اتاق فکر داشته باشند و نشینند و ببینند که برای مثال فیلم یک هفته روی پرده رفت و پایین آمد. من فکر می‌کنم آن چیزی که مهم است این است که در پخش و در ارائه باید پای فیلم ایستاد. این وظیفه تهیه‌کننده یک کار و عوامل یک فیلم است. تهیه‌کننده اگر به فیلم خود یقین داشته باشد باید پای اثرش بایستد و خودش موضع خود را اعلام کند و عقب نکشد. برای فیلم «بندر بند» به من ممیزی دادند اما من اعمال نکردم و فیلمم را اکران کردم چرا؟ چون آن سانسور را بی‌اهمیت می‌دیدم و دلیل قانع‌کننده‌ای برای اجرای آن نداشتم.

فکر می‌کنم که چرخه کاملاً معیوب و بی‌برنامه و یک‌جور سوداگری است.

تهیه‌کننده‌های هم‌سابقه شما معمولاً در یک رابطه بر خورد جدی و درست با بازیگر قرار می‌گیرند اما در حال حاضر به نظر می‌آید که بازیگر امپراطوری پیدا کرده و خیلی از تهیه‌کننده‌ها هم مرعوب این شرایط می‌شوند. درست است؟

بله، متأسفانه این قضیه هست و وجود دارد. برای این است که بتوانند آن پول‌های سرگردان را به دست بیاورند و کسانی که قصدهای عجیب و غریب دارند با پرداخت‌های عجیب و غریب به سلبریتی‌ها به دنبال آن پول‌ها هستند. به هر حال دارند سینما را به سمت نابودی می‌کشاند و من فکر می‌کنم که این مسأله هم آگاهانه هست و ناآگاهانه نیست.

ایا شما در صنف و اندازه خودتان قدمی در جهت بهبودی این قضا یا برداشته‌اید و تمهیدی در نظر گرفته‌اید؟

برای من بیشتر از هر چیزی جریان سازی مهم است دوست ندارم شخصی منفعل در این فضا باشم و می‌خواهم کاری کنم که اندازه خودم بتوانم کاستی‌های یک فضای معیوب را کم کنم. در همین راستا از سه سال قبل با توجه به شناخت حوزه تهیه و تولید، ساخت فیلم‌های لوباجت (کم‌بودجه و محدود) را شروع کردم تا بتوانم خودم پیش درآمد حضوری بشوم که به جوان‌ها بگویم الان حتی با یک گوشی موبایل می‌توانید فیلمتان را بسازید پس داخل این فضای مسموم نشوید که پول‌های عجیب و غریب در آن رد و بدل می‌شود و هنر برای هنر را از قالب شعار بیرون بیاورید و عملی کنید. این هادر بخش‌های دیگر هم هستند و من احساس می‌کنم که در این جریانی که دارد به وجود می‌آید سینمای ایران باید پوست بیندازد، سینما تعریف خودش را داشته باشد و بتوانیم به صورت لوباجت فیلم‌های خودمان را بسازیم، تأثیر خودمان را بگذاریم و ساختارها را - چه در پخش و چه در ساخت - نشان بدهیم.

شکل دستمزد و اینکه با بیت‌کوین و اهدای زمین و ملک به برخی بازیگران دستمزد داده می‌شود چقدر برای شخص منبزه حکمت‌انگیز است یا درست است؟ این را از این جهت می‌پرسیم که شما خودتان تهیه‌کننده‌ای هستید که اتفاقاً یک دختر بازیگر دارید.

من چون هیچ‌وقت وارد یک چنین سینمای فاسدی نمی‌شوم اطلاعاتی از این رفتارها ندارم. این سینما نیست و فقط فساد است؛ فساد نهادینه شده در عرصه‌های مختلف کشور که از جمله سینما می‌تواند شاملش شود.

به نظر شما در حال حاضر صنف تهیه‌کننده‌ها چقدر از مشکلات اکران را می‌تواند با پیشنهادها در دست حل کند؟ اصلی‌ترین پیشنهاد شما چیست؟

مادر صنوف، کاری نمی‌توانیم بکنیم فقط باید